

امپریالیسم آمریکا

در راس لیست تروریسم بین المللی

اشغالگری های امپریالیسم آمریکا

مرحله اول: ۱۸۹۸/۱۹۱۴ میلادی

سیاست درهای باز

منافع مبرم تجاری ما را می توان در دو جمله خلاصه کرد: **بازارهای بیشتر**. **بازارهای وسیعتر**. بازارهایی که می بایست از چنگ بقیه قدرتهای موجود در روی زمین خارج شوند.

از سخنان آقای ریچارد اولنی، وزیر بازرگانی ایالات متحده آمریکا در فاصله سال های

۱۸۹۵/۱۸۹۷

همین سیاست تجاری - تروریستی بود که تا پیش از جنگ اول جهانی در آمریکای مرکزی به اجرا درآمد و اشغال کشورهای مستقل در منطقه را بدنبال داشت: جزایر **مید - وی** ۱۸۶۷ میلادی، **ویک** ۱۸۹۹ میلادی... را از چنگ خلق ها و دولی که استقلال خود را با مبارزه ای جانانه در قبال اشغالگران اسپانیایی بدست آورده بودند، خارج کرد، **پایگاههای نظامی امروز امپریالیسم آمریکا در منطقه**.

فتوحات « درخشان »؟!

سخن بر سر نفوذ ریاکارانه امپریالیسم آمریکا - بنام « آزادی و دموکراسی »؟! در جنبش های استقلال طلبانه خلق های لاتین در مستعمرات اسپانیا در سال های ۱۸۹۸/۱۹۰۲ میلادی براساس « سیاست درهای باز » است، که عاقبت به مهار استقلال طلبان و تسلط انحصاری امپریالیسم آمریکا بر یک سلسله از کشورهای لاتین منجر شد: کوبا، به سال ۱۸۹۵ میلادی. پرتوریکو، ۱۸۹۸ میلادی. فیلیپین، ۱۸۹۹/۱۹۰۲ میلادی. گوام، ۱۸۹۸ میلادی...

من مامور وال استریت بودم

نقل از کتاب ژنرال باتلر (جنک یک کار کثیف) یکی از افسران ارشد ارتش آمریکا

جمهوری های « نمایشی »؟!

این طنز ادبی، نامگذاری، به آن ۱۲ کشور آمریکای مرکزی اشاره دارد که قبلاً، با پیکاری مسلحانه بر علیه استعمارگران اسپانیایی استقلال خود را بدست آورده بودند، ولی بعدها، مثل کشورهای لاتین (شرح فوق)، غفلت کردند و بدام نوعی « دموکراسی »! عوامل امپریالیسم آمریکا افتادند، استقلال خود از دست دادند، دچار ترور و اختناق شدند، بعد از کلی قربانی، از پا درآمدند...

هاوایی: امپریالیسم آمریکا، پادشاهی مستقل هاوایی را، گویا چون فرمانروا وقت تسلیم کمپانی های شکر و راه آهن و شیلات... آمریکائی شده بود؟! جمهوری خواند و بلعید، صادره کرد. **مکزیکو:** که بیاری کمپانی نفتی - مالی راکفلر به سومین کشور نفتی بزرگ جهان بدل شده بود... (۱۸۷۶/۱۹۱۱ میلادی)، سرانجام توسط امپریالیسم آمریکا، همراهی کلیسای کاتولیک و اشراف داخلی - با اسم رمز « انقلاب ضد دیکتاتوری »! مورد هجوم قرار گرفت (۱۹۱۳/۱۹۱۶ میلادی). **گواتملا،** که از ۱۸۲۱ میلادی کشوری مستقل شده بود، بدست عوامل مورد « اعتماد داخلی »! سفارشی های امپریالیسم آمریکا افتاد (۱۸۷۶/۱۹۱۱ میلادی). **کوستاریکا،** توسط سلاطین مالی و صنعتی و تجاری آمریکا اداره می شد. **هندوراس،** مستقل از سال ۱۸۲۱ میلادی... هفت بار توسط امپریالیسم آمریکا مورد حمله قرار گرفت و از پا درآمد (۱۹۰۳/۱۹۲۵ میلادی). **نیاکاراگوئه،** (۱۹۰۹ میلادی). جمهوری دومینیکن و پاناما در آستانه قیامی همگانی، بخاطر منافع انحصارات آمریکائی؟! اشغال شدند...

مرحله دوم: ۱۹۱۴/۱۹۱۸ میلادی

سیاست اشغالگری

وقتی که تجارت از مرزهای ملی فراتر رفته و کارفرما جهان را بازار خود می داند، شعار ملی ما می بایست همین گرایش را دنبال کند، دروازه های بسته ملت ها می بایست منفجر شوند.

بیانات آقای ویلسون، رئیس جمهور قانونی ایالات متحده آمریکا از ۱۹۱۴ میلادی...

همین گرایش غلیظ کارفرمائی بود که قتل عام بومیان قاره آمریکا را موجب شد، دنیای زنده ها را هدف گرفت، با انحصارات انگلیسی و فرانسوی و آلمانی... جوش خورد، در جنگ اول جهانی برسر تقسیم بازار بین المللی بکار رفت.

جنگی با نتایج « نا منظر »؟! مختلف و متقابل:

الف) پیروزی انقلاب همگانی، کارگری - دهقانی در روسیه و حذف تزاریسیم، شریک استراتژیک لردیسیم و بناپارتیسیم.

ب) حضور آشکار امپریالیسم آمریکا، چشم براه غنائم... بسود لردیسیم و بناپارتیسیم در جنگ.

پ) سقوط دولت موقت، سوسیال - دمکرات کرنسکی و شرکاء و پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر، با رهبری حزب بلشویک، در روسیه.

ت) فروپاشی امپراتوری فرتوت عثمانی، همدست مصلحتی - استراتژیک آلمان، با آن سرزمین گل و گشاد، کلی منابع مواد خام و انرژی... که از پیش تقسیم شده بود؟! پاره پاره، از میان رفت، نا پدید شد.

ث) امپریالیسم آلمان، آغاز گر جنگ، مدعی نوعی « پیروزی برق آسا »! سرخورده و مایوس، هیچ چاره ای نداشت، از تمام دعاوی بین المللی خود در گذشت، گویا « بدون قید و شرط »؟! تسلیم شد.

چون « محرمانه »! با دول امپریالیستی غالب، انگلستان و فرانسه و آمریکا، برای درهم شکستن دشمن نا خوانده و مشترک، حکومت نو خاسته، بلشویکی شوروی، به توافق رسید، متولیان دمکراسی توظئه و حقه بازی، دلالی و کارچاق کنی... استراتژی واحدی در پیش گرفتند...

مرحله سوم: ۱۹۴۵/۱۹۱۸ میلادی

نظم « نوین »!

دسترسی آزاد و یکسان برای کالاها و سرمایه در همه جای جهان

یاد داشتهای سه گانه آقای جان های، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، ۱۹۰۲/۱۸۹۹ میلادی

همین نظم وال استریت - تروریستی بود که رقیبان سمج اروپائی را قلقلک داد، بسمت فاشیسم و نازیسم کشید، جنگ دوم جهانی را برای نابودی دیکتاتوری پرولتاریا، کنترل انحصاری بازار بین المللی، منابع طبیعی، ذخائر مواد خام انرژی... در تمام مناطق، تسلط بر تولید و بازرگانی جهان رقم زد.

کودتاهای ننگین

در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین - جنوبی: در ایران، کشور ما، ۱۹۵۳ میلادی، یا ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خورشیدی. اندونزی، ۱۹۶۵ میلادی. کامبوج، ۱۹۷۵ میلادی، در کنگو و سومالی و تانزانیا و بورکینافاسو و ساحل عاج... کوبا و ونزوئلا و پاناما و هائیتی و نیاکاراگونه... ترکیه و پرتغال و یونان...

دیپلماسی شرطی

فلج کردن نهادها، ارگانهای حقوقی، تصمیم گیری های جمعی، قانونگریزی، ماجراجویی، نقض موازین شناخته شده بین المللی، ترور و اختناق، کشتارهای نوبتی، سلاخی های نیابتی، اسرائیلی و عربستانی و اماراتی... کار شکنی در شرایط اضطراری، توطئه و تحریک، تحریم و تهدید، محاصره اقتصادی و نظامی، دعوای مذهبی و قومی، جنگ های ویرانگر در کره و ویتنام و لائوس و کامبوج... در فلسطین و سوریه و لبنان، کشتار خلق ها، سرکوب ملت ها، اشغال یوگسلاوی و افغانستان و عراق و لیبی...

ناگفته نماند که امپریالیسم ویرانگر آمریکا، با حفظ همین خصوصیات تروریستی، عادت های اشغالگرانه، دلاری - وال استریتی، افسار دمکراسی توطئه و حقه بازی، دلالی و کارچاق کنی... افسار ناتوچی ها، آقای « اتحادیه بین المللی »! را دست دارد، جهان سرمایه داری را نمایندگی می کند. نباید این هرزه « مجنون »! هیتلر زمانه، جنایتکار جنگی، دشمن اصلی آزادی و استقلال خلق ها و ملت ها، دشمن پیشرفت و رفاه، دانش و آموزش، دشمن تمدن بشری را دستکم گرفت - **چون این هیولا، تروریست کور، تا نمیرد آرام نمی گیرد...**

رضا خسروی